

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مکالمه روزمره انگلیسی

بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی کشور در زمینه استقلال دانشگاهی در ایران^۱

غلامرضا ذاکر صالحی^۲
امین ذاکر صالحی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۲/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۷/۲۸

چکیده

استقلال دانشگاهی در ایران روند پُر فرازونشیبی را در هفت دهه گذشته پشت سر گذاشته است. هم‌اکنون چهارمین مرحله از اعطای اختیارات به دانشگاه‌ها در قالب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه در حال اجراست، اما تحقق کامل مفاد آن با موانعی روبه‌روست؛ از این رو آگاهی از نحوه نگرش مدیران مراکز علمی کشور نسبت به مقوله پیچیده استقلال دانشگاهی و آثار و پیامدهای آن اهمیت دارد.

مطالعه حاضر که در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته پیمایشی از نوع نگرش‌سنجی است. در این مطالعه ابتدا متغیرهای تشکیل‌دهنده مفهوم استقلال دانشگاهی در چهار گروه استقلال مالی، خودگردانی اداری، آزادی آکادمیک و استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی شناسایی شد. سپس نگرش سه گروه از مدیران مراکز علمی نسبت به این مؤلفه‌ها و میزان اهمیت آنها سنجیده شد. در نهایت پس از شناسایی آثار و پیامدهای استقلال دانشگاهی در ایران (مشمول بر ۱۹ مورد) با استفاده از آزمون نسبت دوجمله‌ای^۴ مشخص شد که پاسخگویان کدامیک از این عوامل را به عنوان آثار و پیامد تلقی می‌کنند.

واژگان کلیدی: استقلال دانشگاهی، استقلال مالی، خودگردانی اداری، آزادی علمی، ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه.

۱. این مقاله برگرفته از یک پژوهش آزاد است.

۲. استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی zsalehi@irphe.ir

۳. کارشناس مدیریت بازرگانی aminsalehi1@gmail.com

مقدمه

موضوع استقلال دانشگاهی در ایران همواره با کشمکش و مجادله و سوءفهم مواجه بوده است. تاریخ دانشگاه‌ها در جهان نیز نشان می‌دهد این مشکل در مقاطعی از توسعه علمی در اکثر کشورها وجود داشته است. اعطای استقلال به دانشگاه‌ها، سیاستی اصولی برای افزایش مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و ایجاد ثبات است. اما پاسداری از استقلال واقعی دانشگاه و تبدیل نکردن آن به سازمانی متمرکز به آسانی صورت نمی‌گیرد. از یک سو دانشگاه‌ها و جامعه علمی بر استقلال خود پافشاری می‌کنند و از سوی دیگر به علت مشکلات اقتصادی و ساختار متمرکز، نیاز دانشگاه‌ها به کمک‌های مالی دولت هر روز بیشتر می‌شود (آراسته، ۱۳۸۳).

کشمکش پیرامون استقلال دانشگاهی دارای جنبه‌ها و ابعاد عینی مرتبط با مسائل اجتماعی و مدیریتی و سیاسی و ابعاد ذهنی و نگرشی است. به طور مشخص به همان نسبت که نگرش‌ها و ذهنیت‌ها نسبت به توسعه استقلال مراکز علمی مساعدتر می‌شود زمینه‌های عینی نیز بهبود یافته و موانع کاهش می‌یابد. در کشور ما از موضوعات مهمی که موفقیت یا عدم موفقیت فرایند استقلال دانشگاهی با آن مرتبط است، دیدگاه مدیران مراکز علمی در این زمینه است. در پژوهش حاضر محقق در جست‌وجوی کشف ابعاد مختلف این دیدگاه است. پرسش اصلی این است که آیا این دیدگاه مثبت است یا منفی و آیا نوع سیمت مدیران در آن دخالت دارد؟ موضوع دیگر کشف دیدگاه مدیران مراکز علمی در مورد آثار و پیامدهای تحقق استقلال دانشگاهی مندرج در بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه است.

پیشینه

دکتر علی‌اکبر سیاسی که در سال ۱۳۲۱ مقام وزارت فرهنگ و سپس ریاست دانشگاه تهران را برای ۱۲ سال متوالی برعهده داشت، در مورد تاریخ استقلال دانشگاه تهران می‌نویسد: «پس از جلب موافقت شاه نسبت به استقلال دانشگاه، موضوع را در هیئت دولت مطرح ساختم... دولت پیشنهاد را دایر بر اعطای رسمی استقلال به دانشگاه پس از توضیحاتی که

دادم مورد تصویب قرار داد». بخشی از منشور استقلال دانشگاه چنین بود: «با تصویب شاه و با توجه به روح قانون اساسی، دانشگاه، این مؤسسه علمی از امروز از وزارت فرهنگ تفکیک می‌شود و از این پس مستقیماً و مستقلاً به اداره علمی و اداری خود می‌پردازد.»

او در زمینه استقلال مالی دانشگاه می‌نویسد: «قانون تأسیس دانشگاه تهران مصوب ۱۳۱۳ در ماده ۷ خود امکان استقلال مالی را برای این تنها مؤسسه عالی علمی کشور پیش‌بینی کرده بود ولی به دلایلی این امکان هیچ‌گاه صورت عملی به خود نگرفته بود و دانشگاه هم مانند سایر مؤسسات و وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی تابع قانون محاسبات عمومی بود و امور مالی خود را زیر نظر و با جلب موافقت ذی‌حساب که از طرف وزارت دارایی منصوب می‌شد، انجام می‌داد.»

وی در ادامه می‌نویسد: «این امر بدین منوال بود تا این که دکتر مصدق نخست وزیر شد... روزی که مجلس شورای ملی را منحل کرد و اختیار قانون‌گذاری را به دست آورد نزد او رفتم... در نهایت پس از چند دقیقه مذاکره و تبادل نظر بدین صورت شد که اختیارات وزارت دارایی در امور مالی دانشگاه کلاً به کمیسیونی به نام «کمیسیون مالی دانشگاه» داده شد مرکب از رؤسای دانشکده‌ها، رؤسای حسابداری دانشگاه و دانشکده پزشکی و معاون وزارت دارایی، به ریاست رئیس دانشگاه تهران، با تصریح به اینکه همه تصمیمات با رأی اکثریت گرفته خواهد شد» (سیاسی، ۱۳۸۶).

اما دیری نپایید که با جایگزینی وزیران، تمامی این کوشش‌ها به باد فراموشی سپرده شد، و مجدداً دانشگاه‌ها و از جمله دانشگاه تهران زیر نظر وزارت فرهنگ قرار گرفتند.

پس از انقلاب اسلامی نیز لایحه استقلال دانشگاه‌ها از نخستین لایحه‌هایی بود که قرار بود به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، اما با تحولات پی‌درپی و وقوع انقلاب فرهنگی و بسته شدن دانشگاه‌ها، این امر به دست فراموشی سپرده شد. در بحث‌های مربوط به تدوین لایحه تغییر ساختار وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تغییر نام آن به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بحث درباره استقلال آکادمیک و آزادی علمی دوباره از سر گرفته شد و در ماده ۱۰ این قانون این موضوع گنجانده شد. *باباجانی* (۱۳۸۳) سیر تحول استقلال دانشگاه‌ها در ایران را در چهار مرحله دسته‌بندی کرده است:

مرحله اول؛ استقلال مالی و استخدامی تا قبل از سال ۱۳۵۸: دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی تا قبل از سال ۱۳۵۸ به صورت مستقل اداره و تابع آیین‌نامه‌های مصوب هیئت‌های امنای خود بودند. اعتبارات جاری منظور در بودجه سالانه کل کشور برای این قبیل مؤسسات، بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب هیئت‌های امنای آنها مصرف می‌گردد. ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی مصوب دیماه ۱۳۴۹ مقرر کرده بود:

«مؤسسات دولتی که تمام یا قسمتی از اعتبار بودجه آنها به عنوان کمک در بودجه کل کشور منظور می‌شود، در صورتی که دارای مقررات قانونی خاصی برای مصرف اعتبارات خود نباشند، مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

تبصره: مؤسسات عالی علمی که زیر نظر هیئت‌های امنای اداره می‌شوند، مسئول مقررات این قانون نیستند و تابع آیین‌نامه‌هایی که به تصویب هیئت امنای هریک از این مؤسسات می‌رسد، خواهند بود.»

نگاهی اجمالی به مقررات مشروحه فوق، نشان‌دهنده این واقعیت است که دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی دولتی تا اوایل سال ۱۳۵۸ از تسهیلات نسبتاً ویژه‌ای برخوردار بوده و استقلال مالی آنها تا حدودی ملحوظ گردیده بود (باباجانی، جعفر، ۱۳۸۳).

مرحله دوم؛ سیر نزولی استقلال مالی: از ابتدای سال ۱۳۵۸، تسهیلات اعطایی به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی در اجرای مقررات مشروحه زیر لغو و مصرف اعتبارات جاری، عمرانی و اختصاصی آنها تابع مقررات عمومی شد.

مرحله سوم؛ سیر احیای استقلال دانشگاه‌ها: از سال ۱۳۵۸ به بعد، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی از طریق وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شورای عالی انقلاب فرهنگی، تلاش‌هایی در جهت کسب استقلال مجدد مالی، اداری و استخدامی به عمل آوردند. تصویب قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۲ مورخ ۶۷/۱۲/۲۳ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی را می‌توان قدم اول در جهت احیای استقلال مؤسسات مذکور تلقی کرد. در این قانون که به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه داده تا برای هریک از مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی وابسته به آنها هیئت امنای تشکیل دهند.

مرحله چهارم؛ دور نهایی تلاش‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و همراهی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، در سال ۱۳۸۳ به نتیجه رسید و با تصویب قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، استقلال کامل اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهش اعطا شد (باباجانی، ۱۳۸۳).
از سال ۱۳۸۳ تاکنون در عمل نحوه تحقق بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه با چالش‌ها، موانع و کندی‌هایی همراه بوده که نگارنده در طرح پژوهشی مستقلی بدان‌ها پرداخته است (ذاکر صالحی، ۱۳۸۵).

پیشینه نظری تحقیق

ژان دوگرووف^۱ و همکارانش استقلال دانشگاه را چنین تعریف می‌کنند: «برخورداری از آزادی و عدم پایبندی به مقررات دست‌وپاگیر دیوان‌سالارانه دولتی در ارتباط با سازمان داخلی دانشگاه، مدیریت آن، توزیع داخلی منابع مالی، کسب درآمد از منابع غیرعمومی، استخدام کارکنان، شرایط تحصیل و بالاخره برخورداری از آزادی در مورد چگونگی تدریس و پژوهش» (جاودانی، ۱۳۸۲). در درون این تعریف سه بُعد از ابعاد استقلال دانشگاهی نهفته است: خودگردانی مدیریتی، استقلال مالی و آزادی علمی.
ژان دوگرووف و همکارانش و همچنین رابرت دال، استقلال دانشگاهی را در سه بُعد ذیل دنبال می‌کنند:

- استقلال بنیادی یا ذاتی؛^۲
- استقلال رویه‌ای (نظام‌نامه‌ای)؛^۳
- استقلال سازمانی.^۴

1. Jandegrooff
2. Substantive Autonomy
3. Procedural Autonomy
4. Organizational Autonomy

استقلال بنیادی یا ذاتی: بر این اساس دانشگاه حق دارد برنامه‌های تحصیلی و اهداف خود را که از بنیادی‌ترین مأموریت‌های آن است، تدوین کند؛ این مفهوم بیشتر ناظر به آزادی علمی است.

استقلال رویه‌ای (نظام‌نامه‌ای): دربرگیرنده رویه‌ای است که بر مبنای آن دانشگاه مقاصد خود را به منظور به انجام رساندن اولویت‌هایی که از قبل برای او به مثابه بخشی از سیاست ملی تعیین شده است، دنبال کند. همان‌گونه که مشهود است، شرایط جامعه بزرگ‌تر (عرصه ملی) محیط بر دانشگاه است و ناگزیر استقلال سازمانی در محدوده آن قابل اجراست. استقلال مدیریتی از این مفهوم استخراج می‌شود.

استقلال سازمانی: بیشتر به بخش ساختاری دانشگاه برمی‌گردد و اعضای هیئت علمی، بر اساس مهارت‌ها و تخصص‌های خویش نسبت به دیگران این حق را خواهند داشت که سازمان علمی خود را که غالباً دربرگیرنده دانشکده، گروه، مدارس، مؤسسه‌ها و حوزه‌های حرفه‌ای است، سامان بخشند (جاودانی، ۱۳۸۲).

در زندگی دانشگاهی، عوامل و ابعاد چندی را می‌توان مشخص کرد که می‌تواند و باید موضوع استقلال سازمانی باشد. *اریک/اشبی*^۱ در تحلیلی بسیار مؤثر عوامل زیر را برشمرده است:

الف - رهایی از مداخلات غیرعلمی در مدیریت مؤسسه (خودگردانی مدیریتی)؛
ب - آزادی عمل در تخصیص منابع مالی به نحوی که مؤسسه مناسب می‌داند (استقلال مالی)؛

ج - آزادی عمل در استخدام و تعیین شرایط کار (خودگردانی مدیریتی)؛

د - آزادی عمل در گزینش دانشجویان (آزادی علمی)؛

ه - آزادی در طراحی و ارائه مواد درسی (آزادی علمی)؛

و - آزادی در وضع معیارها و تعیین روش ارزیابی (تایت، ۱۹۹۵).

برخی پژوهشگران از آزادی علمی به آزادی آموزشی تعبیر کرده‌اند. آزادی آموزشی را اغلب، حق هریک از اعضای هیئت علمی هر نهاد آموزشی به برخورداری از آزادی مطالعه، پژوهش، بیان افکار، انتقال فکرها، و بیان آنچه آن را حقیقت می‌دانند، تعریف

می‌کنند. در ایالات متحده، آزادی آموزشی استاد را غالباً به آزادی کامل در پژوهش و انتشار نتایج آن و بحث در کلاس درس و اعمال حقوق بنیادی شهروند تعریف می‌کنند (واینر، ۱۳۸۵).

برخی پژوهش‌ها بر ارتباط متقابل ابعاد مختلف استقلال دانشگاهی تمرکز کرده‌اند. **دلامینی، (۲۰۰۶)** دانشگاه را یک سازمان نوع سوم (نه دولتی و نه خصوصی) می‌داند و بر این اساس برداشت‌های خود را از استقلال آن تشریح می‌کند. وی می‌نویسد: «امکان دارد کسانی باشند که اهمیت آزادی آکادمیک خاص را قبول داشته باشند ولی در مورد استقلال سازمانی شروطی داشته باشند. این دید ممکن است برخاسته از این مطلب باشد که دانشگاه‌ها به شدت از طرف دولت کمک مالی دریافت می‌کنند و اینکه برای اکثریت مردم سازمانی که از طرف دولت کمک مالی دریافت می‌کنند، می‌تواند ادعای استقلال از کنترل دولت داشته باشند؛ که البته با این گفته که کسی که به نی‌زن پول دهد آهنگ و نغمه را انتخاب می‌کند سازگار است. ظاهراً این شیوه‌ای است که در ساختار پیشین به کار برده شده است».

استقلال و آزادی آکادمیک با هم به تحقق می‌رسند. بدون استقلال سازمانی، آزادی آکادمیک هم وجود نخواهد داشت و استقلال سازمانی به عنوان یک شرط ضروری، ولی نه کافی، برای آزادی آکادمیک به حساب آورده می‌شود.

دلامینی (۱۹۹۷) معتقد است دو مفهوم «استقلال دانشگاهی» و «آزادی دانشگاهی» با وجود وابستگی متقابل، قابل تمایز هستند. استقلال و استقلال به خودگردانی دانشگاه بدون دخالت خارجی ارتباط دارد. آزادی دانشگاهی به معنای آزادی یک فرد دانشگاهی در حفظ دیدگاه‌های خود، سنتی یا غیرسنتی، بدون سانسور یا هرگونه مجازاتی و همچنین شامل تحقیق و جست‌وجوی انتقادی است.

وی معتقد است همواره بحث‌هایی در مورد مرزهای مناسب استقلال و آزادی مشروع دانشگاهی وجود دارد. این مرزها ثابت نیستند و تغییر می‌کنند. این تغییر، اغلب ناشی از مداخله دولت در امور آموزشی دانشگاه از طریق اعطای یارانه و کمک است. دولت اغلب در مقابل اعطای یارانه برای آموزش دانشگاه به مشروط‌سازی شرایط اعطای چنین یارانه‌هایی می‌پردازد. از نظر این پژوهشگر دولت میزان استقلال دانشگاه را تعریف

می‌کند. دولت در ارتباط با استقلال بر پاسخگویی و در مورد آزادی دانشگاهی بر مسئولیت تأکید می‌کند و این دو در تضاد با یکدیگر قرار ندارند.

تونکس (۲۰۰۶) مطالعه خود را بر این پرسش متمرکز می‌کند که آیا استقلال دانشگاهی امری جهانی است؟ وی این ادعا را به چالش می‌کشد. مطالعه وی نشان داد که میزان استقلال همراه با دلایل بروز رفتارهای خاص دانشگاهی در مورد ژاپنی‌ها با هم‌تایان غربی آنها متفاوت است و پرسش‌هایی را درباره جهانی بودن این استقلال مطرح می‌سازد. تونکس معتقد است درک استقلال نهادی و فردی دانشگاهی امری یک‌باره و همیشگی نیست و خارج از کنترل دانشگاه نیز قرار ندارد. هنکل (۲۰۰۷) در مقاله خود با عنوان «آیا استقلال دانشگاهی در جامعه دانشی باقی می‌ماند و می‌تواند به بقای خود ادامه دهد؟ دورنمایی از انگلستان» توضیح می‌دهد که یک دانشگاه آرمانی به عنوان منطقه‌ای با حاکمیت خود و دور از مداخله دیگران در مدیریت و توسعه و انتقال دانش، جای خود را به مشارکت با جوامعی داده که در آنها نهادهای دانشگاهی «ساختارهای محوری» هستند. این مقاله در ادامه به اکتشاف مفاهیم جایگزین حاکمیت نهادی و فردی دانشگاهی در قلمروی دوباره شکل گرفته می‌پردازد که در آن مرزهای دانش‌نفوذپذیر هستند و مدیریت دانش و نهادهای دانش پایه تسهیم شده و اغلب بین دولت، بازار و نهادهای دانشگاهی اختلاف وجود دارد.

یانگ (۲۰۰۱) در پایان‌نامه دکتری خود بر ارتباط استقلال دانشگاهی با بازاری‌سازی آموزش عالی تمرکز کرده است. به اعتقاد وی، بازاری‌سازی نوعی توافق بین خصوصی‌سازی، برنامه‌ریزی متمرکز و استقلال دانشگاهی است که در آن، بازار، استعاره‌ای برای سازماندهی کنترل و تغییر دولتی است. کلارک (۱۹۸۱) نیز تلاش کرده تا نشان دهد عدم قطعیت محیطی بر نهادهای آموزش عالی و به‌ویژه استقلال آنها تأثیرگذار است و میزان آن بستگی به پاسخگویی دانشگاه‌ها و کالج‌ها به محیط دارد.

در نقطه مقابل، گروه دیگری از پژوهشگران در مفهوم استقلال دانشگاه تردید کرده‌اند. برای نمونه مارک سی تیلور چنین می‌گوید: «دانشگاه، مستقل نیست بلکه نهادی کاملاً وابسته است که به طور مستمر به سخاوت میزبان خود وابسته است؛ امری که بسیاری از دانشگاهیان آن را رد می‌کنند». او در ادامه می‌گوید: «فعالیت‌های کلیدی و حساس در حوزه‌های علوم انسانی، هنرها و علوم پایه تنها هنگامی امکان‌پذیر هستند که مورد حمایت نهادهایی با منافع اقتصادی قرار گیرند. در غیر این صورت دچار مشکل

می‌شوند. ممکن است منطق و بیان معیار دانشگاه ضد بازار باشد، اما دانشگاه و اعضای آن همواره به طور کامل تحت تأثیر نظام بازار قرار دارند (فیش، ۲۰۰۴).

جنبه دیگر استقلال دانشگاهی، استقلال عمل در ارتباطات علمی در سطح ملی و بین‌المللی است. به اعتقاد جامعه‌شناسان علم، هویت، بقا و استقلال اجتماع علمی در گروی تعاملات علمی است. از دیدگاه آنان رسمیت نهادی^۱ که به این نهاد استقلال می‌بخشد، مرهون ارتباطات رسمی و آزاد مراکز علمی است. *رنالد کالینز* (۱۹۹۸) جهان دانش را مترادف با جهان وسیع گفت‌وگو می‌داند و معتقد است آنچه یک دانشمند را به عضویت این جهان فکری درمی‌آورد و هویت او به آن وابسته است، مشارکت وی در فضای گفت‌وگو^۲ است.

تاریخ دانشگاه‌ها نشان می‌دهد این فضای تعامل و ارتباط همیشه کاملاً باز و بدون محدودیت نبوده و دولت‌ها به لحاظ مصالح امنیتی با اعمال محدودیت‌هایی، استقلال عمل دانشگاه‌ها را در تعاملات باز علمی به‌ویژه در سطح فراملی قید زده‌اند. برای نمونه در ایالات متحده آمریکا در ۱۹۸۰ با تیرگی روابط با روسیه، این محدودیت‌ها اعمال شد. به دنبال آن رؤسای دانشگاه‌های کرنل کالیفرنیا و استنفورد و انستیتو تکنولوژی ماساچوست طی اعتراض‌نامه^۳ مشترکی که به وزارتخانه‌های بازرگانی، امور خارجه و دفاع فرستادند، خواستار روشن شدن بعضی محدودیت‌های صادراتی در زمینه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه‌های آمریکایی شدند.

اعتراض دانشگاه‌ها در مورد اعمال کنترل بر ارتباطات علمی و تخصصی به بهانه حفظ امنیت ملی تا دوره دوم ریاست جمهوری ریگان ادامه داشت... بیشتر دانشمندان و مهندسان دانشگاهی عقیده داشتند ارتباطات آزاد برای یک محیط تحقیقاتی خلاق کاملاً ضروری است. این محدودیت‌ها همچنین با جامعه آزاد و حقوق اولیه مندرج در قانون اساسی آمریکا ناسازگارند. به نظر آنها امنیت ملی به مفهوم ارتقای اساس تکنولوژیکی آن با مبادله آزادانه عقاید به وجود می‌آید و نباید صرفاً برحسب تکنولوژی یا قدرت نظامی تعریف شود (ریلایی، ۱۹۹۶).

دسته‌ای دیگر از مطالعات، ابعاد حقوقی استقلال دانشگاه‌ها را کاویده‌اند. *لینز* (۱۹۸۹) و *استول* (۱۹۸۰) و *دیکنسون* (۱۹۸۸) و *ناتان گلانز* (۱۹۹۵) کوشیده‌اند راه‌حل‌های میانه‌ای

1. Institutional Recognition
2. Conversation Space

را بررسی کنند تا ضمن ایفای کارکرد دستگاه قضایی، دخالت قوه قضائیه در امور آکادمیک به حداقل برسد و استقلال سازمانی دانشگاه مخدوش نشود.
در مجموع با دقت نظر در ادبیات یادشده، استقلال دانشگاهی از چهار مؤلفه تشکیل شده است: استقلال علمی، خودگردانی مدیریتی، استقلال مالی و استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی.
هریک از مؤلفه‌های چهارگانه یادشده دارای ابعاد و عناصری هستند که در چهارچوب زیر تلاش شده این مجموعه به صورت یک‌جا دیده شود.

چهارچوب مفهومی مؤلفه‌های استقلال نهادی و علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی^۱

خودگردانی مدیریتی	استقلال مالی
<p>استقلال در تعریف اهداف و سیاست‌ها آزادی عمل در توسعه یا کاهش تشکیلات و پست‌های سازمانی (سازماندهی داخلی مراکز تابعه) تعیین حقوق و مزایای کارکنان و اعضای هیئت علمی استقلال در استخدام و ارتقا و تعیین شرایط کار کارکنان و اعضای هیئت علمی آزادی عمل در تعیین معیارهای جذب و گزینش دانشجو آزادی عمل در گزینش دانشجو آزادی عمل در طراحی و تصویب و ارائه برنامه‌های درسی استقلال در برنامه‌ریزی آموزشی آزادی عمل در تدوین معیارها و روش ارزیابی برنامه‌های اداری و علمی</p>	<p>استقلال در تأمین درآمدها و منابع مالی (مالیات، شهریه و...) استقلال در مصرف و هزینه کردن منابع مالی</p>
استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی	آزادی علمی ^۲
<p>استقلال در ارتباطات بین‌المللی و عضویت در مجامع استقلال در ارتباط با صنایع و دستگاه‌های اجرایی در سطح ملی استقلال در عضویت در اتحادیه‌های بین‌المللی استقلال در ارتباط با شوراها و مراکز عالی کشور</p>	<p>حق استخدام دائمی، حق تصدی^۳ و امنیت شغلی استادان آزادی بیان و نقد پژوهش بدون ممیزی آزادی در انتشار نتایج پژوهش‌ها آزادی در مقام تدریس (در کلاس درس) آزادی در تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای و صنفی توسط استادان</p>

1. Self-administration
2. Academic Freedom
3. Tenure

روش تحقیق

مطالعه حاضر که در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته یک پیمایش^۱ از نوع نگرش‌سنجی است. برای سنجش دیدگاه مدیران از آزمون T، و برای مقایسه دیدگاه مدیران به تفکیک نوع سمت آنها از تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) استفاده شده است. از آزمون فریدمن برای سنجش و رتبه‌بندی ترجیحات مدیران آموزش عالی و به منظور کشف دیدگاه پاسخگویان در مورد آثار و پیامدهای تحقق استقلال دانشگاه‌ها از آزمون نسبت دوجمله‌ای^۲ استفاده شده است. این آزمون در مواردی اجرا می‌شود که داده‌ها به دو گروه مجزا تقسیم شوند و بخواهیم تفاوت توزیع داده‌ها را در این گروه آزمون کنیم. ابزار تحقیق را دو پرسشنامه با سؤال‌های بسته تشکیل داده که روایی صوری آن توسط چند تن از اعضای هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی بررسی و نظرات اصلاحی آنان در سؤالات اعمال شده است.

متغیرها و فرضیه‌ها

در این تحقیق پنج متغیر عمده شناسایی شد که چهار مورد آن ابعاد استقلال دانشگاهی را تشکیل می‌دهند. این چهار متغیر عبارتند از: استقلال مالی، خودگردانی اداری، آزادی آکادمیک و استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی دانشگاه‌ها. آخرین متغیر که پرسشنامه مستقلی برای آن طراحی شد، آثار و پیامدهای استقلال دانشگاهی (موضوع بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه) است.

فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

- مدیران آموزش عالی کشور با مؤلفه‌های چهارگانه استقلال دانشگاهی موافق هستند؛
- بین سه نوع سیمت مختلف و دیدگاه مدیران نسبت به هریک از مؤلفه‌های چهارگانه استقلال دانشگاهی تفاوت معناداری وجود دارد؛
- رؤسای دانشگاه‌ها با استقلال دانشگاهی موافق هستند؛
- رؤسای مؤسسه‌های پژوهشی با استقلال دانشگاهی موافق هستند؛
- مدیران ستادی وزارت علوم با استقلال دانشگاهی موافق هستند؛

1. Survey
2. Binomial

یافته‌ها

جامعه آماری این تحقیق رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونان و مدیران کل این وزارت بوده‌اند که در اجلاس رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی شرکت داشته‌اند (N=۱۱۰). از این مجموعه ۷۰ نفر نسبت به تکمیل و عودت پرسشنامه اقدام کردند (n=۷۰). میانگین سن حجم نمونه ۴۸ سال و ۶۸ نفر آنان مرد و دو نفر زن بوده‌اند. ۹۳ درصد پاسخگویان مدرک دکترای تخصصی داشته‌اند.

اکنون به تشریح نتایج آزمون فرضیه‌ها می‌پردازیم:

فرضیه: مدیران آموزش عالی کشور (رؤسای دانشگاه‌ها، رؤسای مؤسسه‌های پژوهشی، مدیران ستادی وزارت علوم) با مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی موافق هستند. برای آزمون فرضیه مذکور از آزمون T استفاده شده است. جدول زیر تجزیه و تحلیل آزمون T را برای فرضیه فوق نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱. دیدگاه مدیران آموزش عالی نسبت به مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی در ایران
مقدار آزمون = ϵ

مؤلفه	نمونه	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
استقلال مالی	۷۰	۵/۱۹۷۶	۰/۸۴۴۹۶	۱۱/۸۵۸	۶۹	۰/۰۰۰
خودگردانی اداری	۷۰	۵/۰۲۸۳	۰/۵۶۷۷	۱۵/۱۵۳	۶۹	۰/۰۰۰
استقلال علمی - آزادی علمی	۷۰	۴/۶۵۸۱	۰/۷۳۱۲۲	۷/۵۳۰	۶۹	۰/۰۰۰
استقلال در ارتباطات علمی و بین‌المللی	۷۰	۴/۹۹۷۴	۰/۷۱۰۳۵	۱۱/۷۴۷	۶۹	۰/۰۰۰

چون سطح معنی‌داری در هر چهار مورد برابر ۰/۰۰۰ و کوچک‌تر از ۰/۵ شد و از آنجاکه آماره t در هر چهار مورد مثبت است پس در هر چهار مورد میانگین‌ها از مقدار آزمون (ϵ) بیشتر است؛ بنابراین پاسخ‌دهندگان با هر چهار مؤلفه استقلال دانشگاه‌ها موافق هستند.

فرضیه: بین سه نوع سمت مختلف و دیدگاه نسبت به هر کدام از مؤلفه های استقلال دانشگاهی تفاوت معناداری وجود دارد. به منظور مقایسه دیدگاه مدیران مراکز آموزش عالی به تفکیک نوع سمت آنها (رئوسای دانشگاه ها، مؤسسه های پژوهشی، مدیران ستادی وزارت علوم) در چهار مؤلفه استقلال دانشگاهی، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شده و نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. رابطه بین سمت و دیدگاه نسبت به مؤلفه های استقلال دانشگاهی

مؤلفه		مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
استقلال مالی	بین گروهی	۰/۷۸۰	۲	۰/۳۹۰	۰/۵۳۹	۰/۵۸۶
	درون گروهی	۴۸/۴۸۲	۶۷	۰/۷۲۴		
	کل	۴۹/۲۶۳	۶۹			
خودگردانی اداری	بین گروهی	۰/۲۴۹	۲	۰/۱۲۴	۰/۳۷۹	۰/۶۸۶
	درون گروهی	۲۱/۹۹۴	۶۷	۰/۳۲۸		
	کل	۲۲/۲۴۳	۶۹			
استقلال علمی - آزادی علمی	بین گروهی	۰/۰۷۵	۲	۰/۰۳۷	۰/۰۶۸	۰/۹۳۴
	درون گروهی	۳۶/۸۱۸	۶۷	۰/۵۵۰		
	کل	۳۶/۸۹۳	۶۹			
استقلال در ارتباطات ملی و بین المللی	بین گروهی	۰/۶۸۲	۲	۰/۳۴۱	۰/۶۶۹	۰/۵۱۵
	درون گروهی	۳۴/۱۳۵	۶۷	۰/۵۰۹		
	کل	۳۴/۸۱۷	۶۹			

همان گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود سطح معناداری به دست آمده از تفاوت بین گروه ها در هر چهار مورد از ۰/۵ بزرگ تر است. بنا بر این فرض صفر آماری را نمی توان رد کرد یعنی بین سه نوع سمت مختلف و دیدگاه نسبت به هر کدام از مؤلفه های استقلال دانشگاهی تفاوت معناداری وجود ندارد:

۱. هر سه نوع سمت دیدگاه یکسانی نسبت به استقلال مالی دارند؛
۲. هر سه نوع سمت دیدگاه یکسانی نسبت به خودگردانی اداری دارند؛

۳. هر سه نوع سمت دیدگاه یکسانی نسبت به آزادی علمی دارند؛

۴. هر سه نوع سمت دیدگاه یکسانی نسبت به استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی دارند.

در ابتدا جدول ترتیب اولویت ترجیحات مدیران آموزش عالی کشور (هر سه نوع سمت) در مورد نوع مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی، و سپس ترجیحات هر یک از سه نوع مدیریت در مورد نوع مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی به تفکیک ارائه شده است.

سنجش و رتبه‌بندی ترجیحات مدیران آموزش عالی کشور (هر سه نوع سمت) در مورد میزان اهمیت مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی

برای سنجش ترجیحات پاسخ‌دهندگان در مورد میزان اهمیت انواع استقلال دانشگاهی، از آزمون آماری فریدمن استفاده شده است. اگر χ^2 دو محاسبه شده از χ^2 جدول بزرگ‌تر باشد (یا سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۵ شود) باید جدولی تشکیل شود که رتبه هر یک از گزینه‌ها مشخص شود. بر این اساس، کلیه پاسخ‌دهندگان (هر سه نوع سمت) مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی بر حسب میزان اهمیت، به این ترتیب رتبه‌بندی شدند:

جدول شماره ۳. ترتیب ترجیحات مدیران آموزش عالی کشور در مورد مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی

رتبه	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه
۱	استقلال مالی	۳/۰۲
۲	خودگردانی اداری	۲/۵۷
۳	استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی	۲/۵۲
۴	استقلال علمی - آزادی علمی	۱/۸۹

سطح معناداری sig/	درجه آزادی df	تعداد n	χ^2 دو محاسبه شده Chi-Square
/۰۰۰	۳	۷۰	۲۸/۳۱۰

از آنجاکه سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۰ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ شده است، رتبه‌بندی‌های فوق از نظر پاسخ‌دهندگان دارای تفاوت معناداری هستند. همچنین از نظر مدیران آموزش عالی (هر سه نوع سمت) مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی یکسان نیستند و چنانچه در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، ترجیحات مدیران آموزش عالی (هر سه نوع سمت) در مورد نوع مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از: ۱) استقلال مالی، ۲) خودگردانی اداری، ۳) استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی، ۴) استقلال علمی - آزادی علمی.

بررسی دیدگاه‌ها و ترجیحات به تفکیک نوع سمت

۱. دیدگاه رؤسای دانشگاه‌ها

فرضیه: رؤسای دانشگاه‌ها با مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی موافق هستند.

جدول شماره ۴. دیدگاه رؤسای دانشگاه‌ها نسبت به مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی در ایران

مؤلفه	نمونه	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
استقلال مالی	۴۰	۵/۲۷۶۹	۱/۷۹۸۳۶	۱۰/۱۱۵	۳۹	۱/۰۰۰
خودگردانی اداری	۴۰	۵/۰۷۷۲	۱/۶۲۱۶۲	۱۰/۹۶۰	۳۹	۱/۰۰۰
استقلال علمی - آزادی علمی	۴۰	۴/۶۴۱۴	۱/۸۰۹۷۸	۵/۰۱۰	۳۹	۱/۰۰۰
استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی	۴۰	۵/۰۵۶۲	۱/۷۴۱۳۸	۹/۰۱۰	۳۹	۱/۰۰۰

چون سطح معنی‌داری در هر چهار مورد برابر ۰/۰۰۰ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ شد و از آنجاکه آماره t در هر چهار مورد مثبت است، پس در هر چهار مورد میانگین‌ها از مقدار آزمون ۴ بیشتر است؛ بنابراین رؤسای دانشگاه‌ها با هر چهار مؤلفه استقلال دانشگاه‌ها موافق هستند.

ترتیب ترجیحات رؤسای دانشگاه‌ها در مورد مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی با توجه به میانگین رتبه‌ها به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۵. ترتیب ترجیحات رؤسای دانشگاه‌ها در مورد مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی

رتبه	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه
۱	استقلال مالی	۳/۰۴
۲	خودگردانی اداری	۲/۶۲
۳	استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی	۲/۵۵
۴	استقلال علمی - آزادی علمی	۱/۷۹

تعداد n	درجه آزادی Df	سطح معناداری Sig/	خی‌دو محاسبه شده Chi-Square
۴۰	۳	/۰۰۰	۱۹/۹۵۲

چون سطح معنی‌داری برابر /۰۰۰ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ شده است، رتبه‌بندی‌های فوق از نظر مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها دارای تفاوت معناداری هستند و از نظر مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی یکسان نیستند و چنانچه در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، ترجیحات مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها در مورد نوع مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی به ترتیب عبارتند از: ۱) استقلال مالی، ۲) خودگردانی اداری، ۳) استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی، ۴) استقلال علمی - آزادی علمی.

۲. دیدگاه رؤسای مؤسسه‌های پژوهشی

فرضیه: رؤسای مؤسسه‌های پژوهشی با مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی موافق هستند.

جدول شماره ۶. دیدگاه رؤسای مؤسسه‌های پژوهشی نسبت به مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی در ایران

مقدار آزمون = ۴

مؤلفه	نمونه	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
استقلال مالی	۱۷	۵/۱۶۲۱	/۶۰۲۹۵	۵/۰۱۲	۱۶	/۰۰۰
خودگردانی اداری	۱۷	۴/۹۳۷۸	/۴۳۲۷۷	۸/۹۳۴	۱۶	/۰۰۰
استقلال علمی - آزادی علمی	۱۷	۴/۷۱۵۶	/۶۹۴۶۴	۴/۲۴۷	۱۶	/۰۰۱
استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی	۱۷	۵/۰۱۴۷	/۵۱۸۹۴	۸/۰۶۲	۱۶	/۰۰۰

بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی... / ۴۹

چون سطح معنی داری در هر چهار مورد برابر $0/000$ و کوچکتر از $0/5$ بوده و از آنجاکه آماره t در هر چهار مورد مثبت است پس در هر چهار مورد میانگین‌ها از مقدار آزمون (۴) بیشتر است بنابراین مدیران و رؤسای مؤسسه‌های پژوهشی با هر چهار مؤلفه استقلال دانشگاه‌ها موافق هستند.

ترجیحات مدیران و رؤسای مؤسسه‌های پژوهشی در مورد مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی بدین شرح است:

سطح معناداری .sig	درجه آزادی df	تعداد n	خی دو محاسبه شده Chi-Square
$0/271$	۳	۱۷	$3/915$

چون سطح معنی داری برابر با $0/271$ و بزرگتر از $0/05$ است بنابراین از نظر مدیران و رؤسای مؤسسه‌های پژوهشی، هر چهار مؤلفه دارای اهمیت یکسانی هستند.

• دیدگاه مدیران ستادی وزارت علوم

فرضیه: مدیران ستادی وزارت علوم با مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی موافق هستند.

جدول شماره ۷. دیدگاه مدیران ستادی وزارت علوم نسبت به مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی در ایران
مقدار آزمون=۴

مؤلفه	نمونه	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی داری
استقلال مالی	۱۳	$0/000/5$	$0/86603$	$4/163$	۱۲	$0/001$
خودگردانی اداری	۱۳	$4/9961$	$0/57208$	$6/278$	۱۲	$0/000$
استقلال علمی - آزادی علمی	۱۳	$4/6344$	$0/54188$	$4/221$	۱۲	$0/001$
استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی	۱۳	$4/7938$	$0/83616$	$3/423$	۱۲	$0/005$

چون سطح معنی داری در هر چهار مورد کوچکتر از $0/05$ شد و از آنجاکه آماره t در هر چهار مورد مثبت است، پس در هر چهار مورد میانگین‌ها از مقدار آزمون (۴) بیشتر

است؛ بنابراین مدیران ستادی وزارت علوم با هر چهار مؤلفه استقلال دانشگاه‌ها موافق هستند.

ترجیحات مدیران ستادی وزارت علوم در مورد مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی بدین شرح است:

سطح معناداری sig	درجه آزادی df	تعداد n	Chi-Square خی دو محاسبه شده
۰/۰۹۳	۳	۱۳	۶/۴۱۱

چون سطح معنی داری برابر با ۰/۰۹۳ و بزرگ‌تر از ۰/۰۵ شده است بنابراین از نظر مدیران ستادی وزارت علوم هر چهار مؤلفه دارای اهمیت یکسانی هستند.

۴. دیدگاه پاسخگویان در مورد آثار و پیامدهای اجرای ماده ۴۹ (استقلال دانشگاه‌ها)

برای دریافتن اینکه پاسخ‌دهندگان کدام یک از ۱۹ عامل را آثار و پیامدهای اجرای ماده ۴۹ برنامه چهارم توسعه تلقی می‌کنند از آزمون نسبت دو جمله‌ای^۱ استفاده شده است. عواملی که پاسخ‌دهندگان آنها را آثار و پیامدهای اجرای ماده ۴۹ برنامه چهارم توسعه تلقی می‌کنند با توجه به اینکه درصد موافقان بالای ۵۰ درصد بوده و سطح معنی داری آنها کمتر از ۰/۰۵ شده، با علامت * در جدول نشان داده شده‌اند.

بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی... / ۵۱

رتبه	ایده‌های مستفاد از ماده ۴۹ استقلال کامل دانشگاه‌ها و پژوهشی و فرهنگستان‌ها از دولت	مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها				مدیران مؤسسه‌های پژوهشی				مدیران وزارت علوم				کل			
		موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	پیامد است	موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	پیامد است	موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	پیامد است	موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	پیامد است
۱	استقلال کامل دانشگاه‌ها و پژوهشی و فرهنگستان‌ها از دولت	۰/۴۲	/۵۸	۰/۴۱۸	*	۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۸	۰/۹۲	۰/۰۰۳	*	۰/۲۶	۰/۷۴	/۰۰۰		
۲	استقلال نسبی دانشگاه‌ها و پژوهشی و فرهنگستان‌ها از دولت	۰/۹۲	/۰۸	/۰۰۰	*	۱	۰	/۰۰۰	۱	۰	/۰۰۰	*	۰/۹۵	۰/۰۵	/۰۰۰	*	
۳	کاهش سرمایه‌گذاری دولت در این مراکز	۰/۱۷	۰/۸۳	/۰۰۰	*	۰/۲۵	۰/۷۵	۰/۰۷۷	۰/۱۵	۰/۸۵	۰/۰۲۲	*	۰/۱۹	۰/۸۱	/۰۰۰		
۴	تنوع در منابع مالی این مراکز	۰/۹۸	۰/۰۲	/۰۰۰	*	۱	۰	/۰۰۰	۱	۰	/۰۰۰	*	۰/۹۹	۰/۰۱	/۰۰۰	*	

۵۲ / فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران • سال سوم • شماره ۱ • تابستان ۱۳۸۹

ردیف	ایده‌های مستفاد از ماده ۴۹	مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها			مدیران مؤسسه‌های پژوهشی			مدیران وزارت علوم			کل		
		موافق	مخالف	بیامد سطح معنی‌داری است	موافق	مخالف	بیامد سطح معنی‌داری است	موافق	مخالف	بیامد سطح معنی‌داری است	موافق	مخالف	بیامد سطح معنی‌داری است
۵	کاهش کنترل‌ها و نظارت‌های دولتی در بخش اداری	۰/۸۲	۱/۱۸	* /۰۰۰	۰/۸۱	۰/۱۹	* /۰۲۱	۰/۷۷	۰/۲۳	۰/۹۲	۰/۸۱	۰/۱۹	* /۰۰۰
۶	افزایش نقش هیات‌های علمی و سنت‌های دانشگاهی	۰/۹۵	۰/۰۵	* /۰۰۰	۰/۸۸	۰/۱۲	* /۰۰۴	۹۲۰	۰/۰۸	۰/۰۶	*	۰/۰۸	* /۰۰۰
۷	افزایش کنترل مدیریتی در درون دانشگاه‌ها و مراکز علمی	۰/۳۳	۰/۲۷	* /۰۰۴	۰/۶۰	۰/۳۸	۰/۶۵۴	۳۸۰	۰/۱۷	۰/۳۹	*	۰/۲۸	* /۰۰۰
۸	ارتقای کارایی و اثربخشی دانشگاه‌ها و مراکز علمی	۱	۰	* /۰۰۰	۱	۰	* /۰۰۰	۱	۰	۰	*	۰	* /۰۰۰
۹	انجام نقش مؤثر به انجمن‌های علمی در ارزیابی این مراکز	۰/۶۷	۰/۲۴	* /۰۰۲	۰/۶۶	۰/۳۱	۰/۲۱۰	۰/۸۳	۰/۱۷	۰/۳۹	*	۰/۲۴	* /۰۰۰

بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی... / ۵۳

رتبه	ایده‌های مستفاد از ماده ۴۹ دانشگاهی و پژوهشی خصوصی و آزاد	مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها			مدیران مؤسسه‌های پژوهشی			مدیران وزارت علوم			کل		
		موافق	مخالف	بی‌امد است	موافق	مخالف	بی‌امد است	موافق	مخالف	بی‌امد است	موافق	مخالف	بی‌امد است
۱۰	افزایش کنترل دولتی بر مراکز دانشگاهی و پژوهشی خصوصی و آزاد	۰/۵۳	۰/۴۷	۰/۸۷۱	۰/۴۴	۰/۵۶	۰/۸۰۴	۰/۶۴	۰/۳۶	۰/۵۴۹	۰/۵۲	۰/۴۸	۰/۸۰۴
۱۱	توجه بیشتر به نیازهای اجتماعی و بازار کار	۰/۹۳	۰/۰۷	۰/۰۰۰	۱	۰	۰/۰۰۰	۱	۰	۰/۰۰۰	۰/۹۶	۰/۰۴	۰/۰۰۰
۱۲	افزایش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی و فرهنگستان‌ها	۰/۹۸	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۱	۰	۰/۰۰۰	۰/۸۵	۰/۱۵	۰/۰۲۲	۰/۹۶	۰/۰۴	۰/۰۰۰
۱۳	ارتقای نقش اعضای هیئت علمی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	۰/۹۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۱	۰	۰/۰۰۰	۰/۸۵	۰/۱۵	۰/۰۲۲	۰/۹۴	۰/۰۶	۰/۰۰۰

رتبه	ایده‌های مستفاد از ماده ۴۹	مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها			مدیران مؤسسه‌های پژوهشی			مدیران وزارت علوم			کل				
		پایامد است	مخالفت	موافق	پایامد است	مخالفت	موافق	پایامد است	مخالفت	موافق	پایامد است	مخالفت	موافق		
۱۴	افزایش انعطاف در رویه‌های اداری و مالی و استنادی	*	۰/۰۲	۰/۹۸	*	۰	۱	*	۰/۰۰۳	۰/۰۸	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۰۳	۰/۰۰۰	*
۱۵	سردرگمی در نحوه اداره مراکز علمی و از هم گسیختگی اداری و مالی		۰/۹۰	۰/۱۰		۰/۰۸	۰/۱۲		۰/۰۰۶	۰/۹۲	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۹۰	۰/۰۰۰	
۱۶	کاهش انسجام و یکپارچگی نظام علم و فناوری		۰/۷۶	۰/۲۴		۰/۷۵	۰/۲۵		۰/۰۰۳	۰/۹۲	۰/۰۸	۰/۲۱	۰/۷۹	۰/۰۰۰	
۱۷	تأخیر و نقصان در تحقق سیاست‌ها و هدف‌های مصوب نظام علم و فناوری		۰/۸۲	۰/۱۸		۰/۸۱	۰/۱۹		۰/۰۰۶	۰/۹۲	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۸۴	۰/۰۰۰	

بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی... / ۵۵

ردیف	ایده‌های مستفاد از ماده ۴۹	مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها				مدیران مؤسسه‌های پژوهشی				مدیران وزارت علوم				کل			
		موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	پیامد است	موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	پیامد است	موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	پیامد است	موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	پیامد است
۱۸	حاکمیت نظام ارزشیابی بازار و مشتری‌پسندی (مشتریان)	۰/۷۲	۰/۲۸	* ۰/۰۰۶	*	۰/۷۵	۰/۲۵	۰/۰۷۷	*	۰/۸۳	۰/۲۷	۰/۲۲۷	۰/۷۳	۰/۲۷	۰/۰۰۰	*	
۱۹	تمرکز و تجمیع اختیارات در یک مرکز فاقد آمادگی لازم) هیئت امانه)	۰/۲۸	۰/۷۲	۰/۰۰۹		۰/۳۱	۰/۶۹	۰/۲۱۰		۰/۳۱	۰/۶۹	۰/۲۶۷	۰/۲۹	۰/۷۱	۰/۰۰۱		

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه چهار مؤلفه تشکیل دهنده مفهوم استقلال دانشگاهی بازشناسی و بر رابطه و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر تأکید شد. سپس این چهار مؤلفه در قالب چهار مقیاس^۱ پژوهشی در بین مدیران مراکز علمی کشور مورد سنجش قرار گرفت و دیدگاه آنان نسبت به هر مؤلفه و در نهایت رتبه‌بندی ترجیحات آنها با بهره‌گیری از آزمون فریدمن مشخص شد.

یافته‌های تحقیق نشان داد هر سه نوع سمت مدیریتی دیدگاه یکسانی نسبت به مؤلفه‌های استقلال مالی، خودگردانی اداری، آزادی علمی و استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی دارند. در این میان نگرش مدیران ستادی تفاوتی با دیدگاه رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی ندارد و این یافته فرصت بی‌بدیلی را برای عمق‌بخشی و نهادینه‌سازی استقلال دانشگاهی در

1. Scale

ایران پیش روی ما می‌گشاید زیرا بیانگر این است که اجماع قابل قبولی در میان طیف‌های مختلف مدیران در مراکز علمی وجود دارد. یافته مهم دیگر تحقیق حاضر این است که در بین مؤلفه‌های چهارگانه، مؤلفه‌هایی همچون استقلال مالی که جنبه عینی و اجرایی بیشتری دارند، از نظر پاسخگویان اهمیت بیشتری داشته‌اند و در درجه بعد خودگردانی اداری و استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی قرار دارند؛ اما مؤلفه‌ای چون آزادی علمی از آنجا که جنبه انتزاعی داشته و یا اهمیت آن برای مدیران ملموس نبوده، در آخرین مرتبه اهمیت قرار گرفته است. این نگرش نیازمند تغییر و اصلاح است زیرا استقلال دانشگاهی بدون آزادی علمی صرفاً یک تحول صوری، زودگذر و اداری است. آزادی علمی روح استقلال دانشگاهی است. هرچند معتقدیم در کشور ایران در ترکیب عناصر و مؤلفه‌ها، مقوله استقلال دانشگاه‌ها شکل بومی و محلی به خود می‌گیرد اما به هر حال به تعبیر هنکسل باید مراکز دانشگاهی «ساختارهای محوری» در این ترکیب باشند زیرا تنها نهادی که علاوه بر استقلال اداری، استقلال علمی نیز دارد، دانشگاه‌ها هستند. به نظر می‌رسد وضعیت دانشگاه‌های ایران در زمینه استقلال بنیادی (آزادی علمی - آزادی آموزشی) ضعیف است و برنامه‌های آموزشی منحصرراً در داخل دانشگاه شکل نمی‌گیرد و در این زمینه ملاحظه نهادهای بیرونی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد. شاید به همین دلیل باشد که مطابق یافته‌های این مطالعه، مدیران دانشگاهی ما دریافت کامل و صحیحی از اهمیت کلیدی این مؤلفه ندارند.

در بعد استقلال رویه‌ای خوشبختانه مصوبه سال ۱۳۶۹ در مورد هیئت امنایی شدن دانشگاه‌ها و بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه تا حدودی مشکلات را - دست کم از نظر اختیارات قانونی در سطح نظری - حل کرده است.

از نظر استقلال سازمانی نیز وضعیت ناکارآمد و ناقصی وجود دارد زیرا هرچند در درون دانشگاه‌ها شوراهای مختلفی وجود دارند اما حل و فصل مسائل سازمانی کاملاً تحت تأثیر سازمان علمی دانشگاه و نیازهای آن نیست.

در اینجا چهار نکته کلیدی دیگر را یادآور می‌شویم:

۱. در ایران نظام اداری متمرکز و یکپارچه است و با یک دولت بزرگ و فربه مواجه‌ایم؛ بنابراین قطع کلیه پیوندها با بدنه حجیم و قدرتمند دیوان‌سالاری دولتی، امری تدریجی و نیازمند تمهیدات مختلف است.

۲. در کشور ما نوعی ترس از ناشناخته‌ها و ابهام در فرایند کسب استقلال دانشگاهی مشهود است که توسط جامعه دانشگاهیان باید مرتفع شود به گونه‌ای که استقلال دانشگاهی، به غلط مترادف استقلال سیاسی از دولت تلقی نشود.

۳. همان‌گونه که بیان شد به نظر سی تیلور، دانشگاه مستقل وجود ندارد و دانشگاه نهادی کاملاً وابسته به بازار است. اما باید گفت در ایران دانشگاه نهادی وابسته به دولت است. حال باید این وابستگی را هم کاهش داد و هم مناسبات با دولت را عقلانی کرد به گونه‌ای که نقش حمایتی دولت نیز کم‌رنگ نشود.

۴. همان‌گونه که در یافته‌های تحقیق ملاحظه شد، مدیران دانشگاهی در همه سمت‌ها با هر چهار مؤلفه استقلال دانشگاهی موافقت - هرچند با اولویت‌های مختلف - به این معنا که در هر چهار مؤلفه، میانگین‌ها از مقدار آزمون بیشتر است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از نظر مدیران دانشگاهی، استقلال تفکیک‌پذیر نیست و یک مجموعه به هم پیوسته است؛ امری که در ادبیات موضوع هم بر آن تأکید شده است.

بخش دیگر پرسش‌های این تحقیق به بررسی آثار و پیامدهای تحقق استقلال دانشگاهی مربوط می‌شد که در فرایند سیر تحولی خود در قالب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم متبلور شده است.

از ۱۹ اثر و پیامد شناسایی شده که مورد پرسش قرار گرفت، ۱۲ مورد به عنوان آثار و پیامد توسط پاسخگویان تأیید شد. جالب این است که هفت مورد دیگر که به عنوان اثر یا پیامد تلقی نشده و حداقل ۵۰ درصد پاسخگویان در این امر موافق نبوده‌اند، مواردی هستند که جنبه‌های نسبتاً منفی داشته‌اند. این یافته نشان می‌دهد مدیران دانشگاهی معتقدند در عرصه عمل و اجرا نیز فرایند استقلال دانشگاهی در ایران آثار مفیدی بر جای گذاشته است.

این آثار و پیامدهای دوازده‌گانه می‌تواند در قالب بسته‌های سیاستی مورد حمایت بیشتر دولت قرار گیرد و در برنامه پنجم توسعه، احکام اجرایی متناسب با این جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها پیش‌بینی شود.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳) *آزادی علمی، دایرةالمعارف آموزش عالی*، جلد اول، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- جاودانی، حمید (۱۳۸۲)، *استقلال علمی، مونوگراف*، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- تایت، م (۱۳۷۸)، «استقلال سازمانی»، *گزیده مقالات دایرةالمعارف آموزش عالی*، جلد اول، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- واینز، فیلیپ پی (۱۳۸۵)، *فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، (مقاله آزادی آموزشی)*، مترجم: مهبد ایرانی طلب، جلد اول، انتشارات سعاد.
- سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، *گزارش یک زندگی*، جلد اول، چاپ اول، اختران.
- باباجانی، جعفر (۱۳۸۳)، «استقلال اعطایی به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، فرصت یا تهدید»، *فصلنامه مطالعات حسابداری*، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۵)، *بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه (استقلال دانشگاه‌ها) و تدوین راهکارهای اجرایی تحقق مفاد آن*، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ریلانی، هارولدسی (۱۹۹۶)، «کتمان علم»، مترجم: سعید بهنام، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره سوم، بهار ۱۳۷۸.
- Collins, Randall (1998), *The Sociology of Philosophies: A Global Tehory of Intellectual Change*, Harvard University Press
- Dickinson, G. M., (1988) *Academic Autonomy and Legal Prescription an Investigation of the Intrusion of Law into Decision-Making within Universities*, University of Toronto.
- Dlamini, Charles Robinson (1997), *University Autonomy and Academic Freedom in South Africa, University of South Africa*, AAT 0598801.
- Henkel, Mary (2007), "Can Academic Autonomy Survive in the Knowledge Society? A Perspective from Britain", *Higher Education Research & Development*, Vol. 26, No. 1, March 2007.
- Glazer, Nathan (1995), "Jeffries and the Fate of Academic Autonomy", *Public Interest*, Washington: Summer 1995, ISS 120.
- Young, Stacey Johanna (2001), *The Market Model in Higher Education: Ontario in Comparative Perspective*, University of Tornto (Canada), AAT NQ63811.
- Tanks, Stephen. J. M., (2006), *A Mixed-Methods Study of Perceived Academic Autonomy in Japanese Students and its Relations to Their Motivation*, University of Maryland, College Park, ATT 3222600.
- Clarke, Carlene Alice, (1981) *A Study of Boundary-spanning Units and environmental uncertainty in Higher Education*, University of California, Berkeley, AAT 8211889.

بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی... / ۵۹

- Stoll, Ned Charles (1980), *Policy Guidelines Developed from an Analysis of Emerging Legal Challenges to the Academic Autonomy of Public Institutions of Higher Education*, University of Utah, AAT 8022643.
- Fish, Stanley (2004), *The Case for Academic Autonomy*, *The Chronicle of Higher Education*, Washington: Jul 23 2004, Vol. 50, ISS. 46.
- Leas, Terrence (1989), *Evolution of the Doctrine of Academic Abstention in American Jurisprudence*, The Florida State University, AAT 9012921.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی